

قَالَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام): أَهْلَكَ النَّاسَ إِثْنَانِ: خَوْفُ الْفَقْرِ، وَ طَلَبُ الْفَخْرِ.
دو چیز مردم را هلاک و بیچاره گردانده است:
یکی ترس از این که مبادا در آینده فقیر و نیازمند دیگران گردند،
و دیگری فخر کردن و مباحات بر دیگران است.

(بحار الأنوار: ج ۷۵، ص ۵۴، ح ۹۶)

خ طابه

کلید مخاطب شناسی در امر تبلیغ، در خودشناسی مبلّغ است

بیانات آقای اخوت درباره موضوع تبلیغ و مبلّغ شدن، پنجشنبه ۶ آبان ماه (قسمت پنجم)

می کنم موانع را برطرف کنم تا بهترین شنونده باشم. همچنین در درون خودم ببینم اگر آن مبلّغ چگونه می گفت، حرف او در جان من بیشتر می نشست؟ مخاطب شناسی از همین دقتها حاصل می شود تا بتوانم بفهمم اگر از این به بعد خواستم به دیگری چیزی بگویم، چگونه بگویم که او زودتر تحریک شود و کار را انجام دهد؟ به طور طبیعی آنکه چنین دقتهایی به عنوان شنونده دارد می تواند در تبلیغ هم به آن علم بدست آمده عمل کند.

اگر دو کلاس پیشنهاد دهند که در یکی چگونگی تبلیغ را آموزش می دهند و در دیگری چگونگی خوب شنیدن را، کلاس دوم برای یک مبلّغ ارجحیت دارد، چون او را به سمت استعدادهای درونی سوق می دهد و فعالسازی استعداد در درون انسان، القای معرفت و معنویت می کند. یعنی هدایتی در درون او جوشش می گیرد که راهنمایی می کند چه چیز را چگونه بگوید و چه چیز را نگوید. چنین انسانی نگران قیامت خودش است و آتش را نزدیک خودش می بیند و خود را به پرهیز کردن سزاوارتر از دیگران می یابد. بنابراین هر کس دقت کند که در موعظه و نصیحت کردن، اگر چگونه باشد سزاوارتر است؟

۴. هر کس باید خودش باشد و نباید ادای دیگری را درآورد و خلاف طبع خودش رفتار کند. مثلا اگر بیان فردی ساده است و دانشجوهای پیچیده می شنوند، مربی نباید خودش را عوض کند بلکه جایی درس بدهد که مخاطبش دانشجو نیستند. لذا هر کس باید وضعیت خودش را بشناسد و متناسب با استعداد و توانمندیش فعالیت کند. هر کس ببیند که اگر خودش مورد تبلیغ قرار بگیرد، چه صفاتی را می خواهد از خود بروز دهد، آنها را یادداشت کند، و در این صورت او بهترین مبلّغ خواهد شد. آنقدر تنوع در عالم وجود دارد که

استفاده از قالبهای مختلف در تبلیغ و... خیلی افراد خیلی کارها را انجام داده اند اما بنده نوعا این نوع برنامه ها را نمی پسندم و نگاهمان به تبلیغ نگاه دیگری است. علت هم این است که در حوزه آموزش و تبلیغ، اگر نگاه انسان به غیر خودش معطوف شد و بخواهد کاری بکند که افراد راه دیگری را بروند، مسیرشان عوض شود و خلاصه اثر بگذارد، با این آموزشها موثر نخواهد بود. همه آموزشها به مبلّغین باید به حرکت های درون زا و درون جوش معطوف شود. یعنی ما به عنوان مبلّغین، باید خودمان مسیری را برویم و این خودپرستی نیست چون هر منفعتی از انسان به دیگران می رسد از رشدی است که آن فرد در درون خودش صورت ایجاد کرده است. یعنی اگر من بتوانم در کلاسی خوب بنشینم، خوب بپرسم، منضبط باشم، تمرینهایم را انجام دهم و... در این صورت معلم خوبی هم خواهم شد. اما اگر غیر از این رفتار کنم و به من یاد هم بدهند که چطور معلمی کنم، باز هم معلم خوبی نخواهم شد. پس هر کس سعی کند در موقعیتهایی که قرار می گیرد بهترین باشد و بالتبع اگر در موقعیت مربی هم قرار بگیرد بهترین خواهد بود، چرا که حالت بهترین بودن را در جای دیگری تجربه کرده است. بنابراین اگر بخواهیم بهترین مبلّغ باشیم، باید ببینیم چگونه هنگامی که در موقعیت شنیدن تبلیغ قرار می گیریم، بهترین شنونده می توانیم باشیم. باید از خودم بپرسم چرا اگر در جایی مطلب زیبایی را می شنوم آنها را ثبت نمی کنم؟ آیا فکر می کنم این مطلب برای من چیز جدیدی ندارد؟ اگر جایی، کتابی معرفی کردند، چرا نسبت به آن کتاب بی اعتنا بودم؟ چرا وقتی سوره ای معرفی شد، به آن سوره رجوع نکردم؟ چرا به حرفهای یک مبلّغ گوش نمی دهم؟ و... باید دلایل این رفتارها را در خودم بررسی کنم و سعی

۱. فایده بهره بردن از ابزار کمک آموزشی در تبلیغهای کلاسی: در حوزه تبلیغ و خصوصا آموزش قرآن می توان از وسایل کمک آموزشی استفاده کرد. می توان از پاورپوینت، کلیپ و... در تدریس استفاده کرد و چه بسا وجود این ابزار باعث فهم بیشتر سوره ها شوند. یکی از مشکلات ما در مدرسه قرآن این است که از ابزار کمک آموزشی در تدریس کم استفاده می کنیم و میتواند کیفیت تدریس را پایین بیاورد.

۲. ادب عدم قضاوت شاگرد و مربی نسبت به یکدیگر: اگر شاگردی در کلاس سوال بی جایی بپرسد، نگاه مربی باید این باشد که حتما او محاسباتی را در ذهنش انجام داده و بعد این سوال را پرسیده است. همچنین شاگردان دیگر نیز باید فکر کنند شاید چنین فردی از حرفهای استاد چیزی فهمیده است که اصلا همه علم، همین حرف او باشد. مهم این است که فردی نسبت به دوست و استادش قضاوت نکند. وقتی در کلاس می آیم و هم مباحثه ای و استاد خود را انتخاب کرده ایم، حق ایجاد می شود که نباید آنها را از نظر علمی پایینتر ببینیم بلکه باید عاقل در نظرشان بگیریم. مثلا اگر کسی سوالی پرسید، نباید اینطور باشد که دیگران هیچ توجیهی نکنند و فکر کنند فقط سوالهای خودشان مهم و قابل پاسخ است. اگر کسی چنین دیدی داشته باشد، دیگر چه نیازی به کلاس داشته که حضور یافته است؟ کسی که تصمیم می گیرد کلاس بیاید یعنی خود را بیچاره فکرهای دیگران دیده و فرض بر این است که فکرهایی که من نتوانستم بکنم را دیگران می کنند یا به صورت سوال می پرسند.

۳. مخاطب شناسی از مسیر خودشناسی: در حوزه تبلیغ جهت آموزش نحوه تبلیغ، مخاطب شناسی،



• و امانت را پاس بدارند: مثلاً مربی یک کلاس مسئول آن کلاس است و اجازه ندارد تا وقتی درس را نداده است، به موضوع دیگری در کلاس بپردازد.

• و امرشان کن به سکوت: هر جایی لازم نیست فرد هر حرفی را بزند.

• و جایی که منفعتی ندارد جدال را ترک کنند.

البته حدیث ادامه دارد که به موارد بعدی را در جلسات آتی خواهیم پرداخت. ان شاء الله در اثر این بحث تحولی در ما ایجاد شود و نشانه این تحول این است که وقتی دوربین عیب بینی افراد به سمت خودشان می رود، به شدت خلایق در ارائه مطالب افزایش می یابد. یعنی مثلاً مبلغ یا مربی می بیند مطلبی را خودش نمی فهمد، پس به فکر می افتد خروجی ای تولید کند تا خودش بفهمد. هر کاری انسان برای فهم خودش انجام می دهد، بسیار زیبا و همه فهم می شود. خروجیها در قالبهای مختلف اعم از متن نویسی از سوره ها، کلیپ سازی و غیره می توانند ارائه شوند. ان شاء الله تولیدات ما تولیداتی باشد که سازندگان برای خودشان تولید کرده باشند. دأب ما در مدرسه قرآن هم همین بوده است و بر همین اساس کتب و آثار تولید شده است. حال باید دامنه افرادی که خواهان چنین آثاری هستند را گسترش دهیم و چون هر کس برای رشد و فهم خودش دارد کار می کند، عمل مخلصانه و بدون چشم داشت مادی انجام می گیرد.

کارهای جمعی اینطور است که حرکتی ایجاد می شود و با سرعت جلو می رود، حال چه من باشم یا نباشم، باز هم جلو می رود. فرد ممکن است حس کند خیلی دارد زور می زند که یکبارۀ اتفاقی تنه می خورد و به دلیلی کنار کشیده می شود، آن وقت می بیند جریان بدون وجود او هم دارد جلو می رود. انسان در این حالت می ترسد که نکند خودش جا بماند و به خاطر این خوف، هر کاری می کند تا جا نماند.

۱. الاختصاص صفحه ۲۴۷

چندین برابر می شود. چون بدین سبب، مدد بیشتری از ملائکه و نصرت غیبی را برای این واسطه گری می توانم به سمت خود جذب کنم. قانون مدد ملائکه در نظام اجتماعی و بستر امت بیشتر معنا می دهد و در فضای فردی کمتر مدنظر است. بعضی هم در اثر نسبت یافتن با ملائک، عیبهای بیشتری را در خود می یابند و ناراحت می شوند که سور مبارکه سبأ و فاطر در این باره راهکارهایی می دهد.

۷. ویژگیهای مبلغ در کلام معصوم (علیه السلام):

رُوي عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: يَا عَبْدَ الْعَظِيمِ أَلَيْغَ عَنِّي أَوْلِيَايَ السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُمْ أَنْ لَا يَجْعَلُوا لِلشَّيْطَانِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ سَبِيلًا وَ مَرُّهُمْ بِالصِّدْقِ فِي الْحَدِيثِ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ مَرُّهُمْ بِالسَّكُوتِ وَ تَرْكِ الْجَدَالِ فِيمَا لَا يَغْنِيهِمْ وَ إِقْبَالِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ وَ الْمَزَاوَرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ قُرْبَةٌ إِلَيَّ وَ لَا يَسْتَعْلُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَمَرِيقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا فَإِنِّي أَلَيْتُ عَلَى نَفْسِي إِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَ اسْخَطَ وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَايَ دَعَوْتُ اللَّهَ لِيُعَذِّبَهُ فِي الدُّنْيَا أَشَدَّ الْعَذَابِ وَ كَانَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ وَ عَرَفَهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لِمُحْسِنِهِمْ وَ تَجَاوَزَ عَنْ مُسِيئِهِمْ إِلَّا مَنْ أَشْرَكَ بِهِ أَوْ آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَايَ أَوْ أَضْمَرَ لَهُ سُوءًا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْهُ فَإِنْ رَجَعَ وَ إِلَّا نَزَعَ رُوحَ الْإِيمَانِ عَنْ قَلْبِهِ وَ خَرَجَ عَنْ وَلَايَتِي وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ نَصِيبًا فِي وَلَايَتِنَا وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ.

از حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند:

• سلام مرا به دوستانمان برسان و به آنها بگو برای شیطان راهی را بر نفس هایتان قرار ندهید: پس هرچه مسئولیت فرد در رابطه با جمعهای بزرگتر و مهمتری باشد، این تذکر مهمتر می شود. در غیر اینصورت فرد موجب هلاکت خود و دیگران گشته گویی آتقن شیطان شده باشد. مثلاً تسلط شیطان بر مدیر یک مجموعه -نسبت به یک کارمند جزء- باعث قطع بسیاری از مسیرهای هدایتی در آن جمع می تواند بشود.

• و امرشان کن که در بازگویی احادیث ما حتماً جانب صدق را بگیرند: یعنی حرفها را جا به جا نکنند.

اگر هر کس خودش باشد، بهترین حالت تبلیغ را شکل خواهد داد.

۵. ابتلاء، محل سنجش استعدادها و توانها: خدا انسان را مبتلا می کند یعنی او را تست می کند که آیا فلان استعداد در او فعال شده است یا نه؟ ما هم وقتی می خواهیم مسئولیتی را به کسی واگذار کنیم ابتدا از کارهای کوچک شروع می کنیم. اگر توانست پروژه اولیه را انجام دهد، پروژه بعدی را هم به او می سپاریم. مبلغ هم باید این روش تست را داشته باشد یعنی یکی دو جلسه کلاسی را برگزار کند و اگر گرفت آن را ادامه دهد. همینطور در سمت شاگردی، اول یک جلسه کلاس و استاد و بیان او را امتحان کنیم، بعد اگر مناسب بود ثبت نام نماییم. اگر هم مناسب نبود، کلاس دیگری انتخاب کنیم یا اصلاً با روش مباحثه و بدون کلاس پیش بروم. باید تست کنیم تا بفهمیم چه روشی موجب رشد ما می شود.

۶. رفع عیوب دیگران با عیب زدایی از خود: اگر کسی بنای خود را به برطرف کردن عیوب خود بگذارد نه عیوب دیگران، در مدت کوتاهی خیلی رشد خواهد کرد، چه شاگرد باشد یا مبلغ. اما اگر بنایش تحلیل دیگران باشد، به سمت رفتارهای افراطی و تفریطی سوق پیدا می کند و حاصلی نیز به دست نخواهد آورد. قانونش را امیرالمومنین (علیه السلام) اینگونه فرموده اند: مَنْ شَغَلَ نَفْسُهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحْيَرٌ فِي الظُّلُمَاتِ وَ ارْتَبَكَ فِي الْهَلَكَاتِ. یعنی اگر دوربین عیب بینی فرد، به جای خودش، روی دیگران باشد باعث سرگشتگی و گرفتاری او می شود. اما اگر هر کسی گمشده ای داشته باشد و بخواهد از قبل آن، خودش را پیدا کند این راه تبدیل به فرآیند رشد برای او می شود.

اگر انسان بخواهد عیبی در دیگران برطرف شود باز هم راهش این است که عیبی را در خودش برطرف کند، زیرا با این کار قدرت خودش در تاثیرگذاری بر دیگری بیشتر می شود. انسان هر یک عیبی را که در خودش حل می کند، قویتر می شود. این قانون است که اگر نگران هدایت دیگران باشم و خودم را بیشتر در مسیر هدایت قرار دهم، توانم در هدایت دیگران

یادداشت علمی

خودشناسی؛ لازمه یک ازدواج موفق

قسمت دوم و آخر

می کند. عیب جویی کردن، ناسزا گفتن، همز و لمز کردن و توهین و قهر از بدترین شیوه هایی است که زوجین را تا آستانه طلاق پیش می برد. مطالعات نشان داده اند زوجینی که در آستانه طلاق هستند، بیشتر از سایرین از این راهبردها برای حل اختلاف خود بهره برده اند.

زوجینی در زندگی خداگرایانه موفق اند که همواره به خود و اصلاح عیوب خود مشغول باشند. خانواده یک سیستم است و اگر قرار باشد عیوب دیگری نیز اصلاح شود، بهترین و سهل ترین راه، اصلاح خود است چراکه رفتارها، گفتارها، باورها و هیجانات هر یک از زوجین بر دیگری اثر گذاشته و تغییر در او را تسهیل

توهم قوت نیز تلاش کنید تا مواردی را که در حقیقت برای خود قوت در نظر می گیرید ولی در واقع و حقیقتاً قوتی محسوب نمی شوند اصلاح کنید. مثلاً اگر کسی سطح بالای مالی خود و یا شان خانوادگی خود را یک نقطه قوتی برای خود می داند در حقیقت این توهم قوت است چراکه آنها از بین رفتنی و اعتباری است. یا ممکن است شخصی خود را مهربان تصور کند در حالیکه این حس را به طرف مقابل خود نمی دهد.

با این بررسی پس از این ارزیابی شما می توانید: اولاً، حوزه های ضعف و قوت خود را شناسایی کنید، ثانیاً، آنها را از جهت انطباق با واقعیت بررسی کنید و ثالثاً برای رفع ضعف ها و تقویت قوت ها تلاش کنید.

با شناخت خود در سه حوزه ای که مطرح شد، می توان نسبت به بسیاری از عیوب آگاه شد. در شرایطی که هر فرد در این حوزه ها خود را بشناسد، طبیعی است به هنگام اختلاف یا چالش در زندگی به آن ها رجوع کرده و قبل از اینکه دیگری را متهم کند، عوامل بروز مشکل را در خود جستجو و اصلاح می کند. مثلاً اگر در قضاوت عجول است، با مشاهده یک رفتار نامناسب در طرف مقابل، بیشتر درنگ می کند، شواهد دیگری را بررسی می کند، احتمالات دیگری را در ذهن مطرح می سازد و به این ترتیب واکنش عجولانه نشان نمی دهد. یا مثلاً کسی که می داند شان مالی خانواده خود را نقطه قوتی برای خود می داند و این توهم قوت است، با اشاره به خانواده خود به سرعت ناراحت نشده و بیشتر درنگ می کند. همین طور فردی را در نظر بگیرید که در موضوع خرید وسیله ای برای زندگی با همسر خود اختلاف دارد، در این شرایط چگونه بودن آن وسیله به هیچ وجه جزء اولویت ها و اهداف زندگی او نیست پس می تواند به راحتی تصمیم را به عهده دیگری بگذارد.

به این ترتیب خودشناسی و تلاش برای رفع عیوب خود از مقدماتی ترین آمادگی ها برای ازدواج است. خود شناسی هم چنین قدرت پیش بینی واکنش ها در موقعیت های مختلف را به فرد داده و او را برای مواجهه با چالش های مختلف زندگی آماده می سازد. هر فرد باید منتظر باشد تا پس از ازدواج صحنه بروز عیوب و یا بروز صفات نیکو برایش فراهم شود. خداوند در قرآن کریم می فرماید ما شما را آزمایش می کنیم تا ببینیم کدامیک بهتر عمل می کنید^۱. توانمندی در شناخت خود، قدرت شناخت دیگری را نیز به انسان می دهد و او را به سمت انتخاب هم کفو خود پیش می برد. این نوع نگاه، منجر به نگاهی کهال گرایانه در زندگی شده و زمینه بروز زیبایی ها، خوبی ها و نیکی ها را رقم می زند. بروز نیکی در خانواده نه فقط باعث رشد فردی بلکه منجر به رشد تک تک اعضای خانواده می گردد.

۱. «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُوفُ» (ملک/۲)

برای شروع بد نیست در سه حوزه زیر خود را ارزیابی نموده و مسیر اصلاح را آغاز کنیم:

۱- **حوزه عجله- کندی:** تلاش کنید تا مصادیق عجله خود در سه حوزه مهم کلام، قضاوت و علم آموزی را یادداشت کنید.

- آیا عجولانه و نسنجیده حرفی را می زنید و بعد پشیمان می شوید (عجله)؟ آیا در زدن حرف حق به دیگران تعلل می کنید؟ مثلاً خجالت می کشید (کندی)؟ - آیا نسبت به دیگران سریع قضاوت می کنید؟ مثلاً با دیدن رفتاری خاص نتیجه می گیرید و بعد عصبانی می شوید؟ و در پی آن به سرزنش کردن، توهین کردن و قهر و سکوت روی می آورید؟ آیا برای پیش قدم شدن در کاری که خوب است (مثل دلجویی از طرف مقابل) کندی می کنید؟ تا چه اندازه کینه ها در شما فعال می شود؟ به سختی می توانید دیگری را ببخشید؟

- تا چه اندازه میل به یادگیری دارید؟ آیا برای خود سیر علمی مشخصی دارید یا در ارتقای علمی خود کوتاهی می کنید؟

۲- **حوزه امیال- بی میلی:** بر روی برگه ای آرزوها و اهداف خود را یادداشت کنید. آیا این آرزوها با معیارهای اصلی زندگی شما و اهداف شما از زندگی هماهنگ است؟ اگر نه لطفاً در آن ها تجدید نظر کنید. سپس بر اساس اولویتی که دارند آن ها را دسته بندی کنید. حال رفتارهای در طول هفته خود را در نظر گرفته و ببینید چند درصد از رفتارهای روزمره تان در راستای اهداف اولویت دار زندگی تان است؟ بقیه وقت را صرف چه می کنید؟ آیا برای چیزی که در زندگی در اولویت نیست وقت می گذارید؟ آیا با این روند در طی ۵ سال آینده به بخشی از اهداف خود خواهید رسید؟ اگر نه می توانید برنامه های زندگی خود را طبق اهداف حقیقی خود تنظیم کنید و در پایان هفته خود را بررسی کنید.

۳- **حوزه ضعف- توهم قوت:** کمی فکر کنید. در چه حوزه هایی شما احساس قوت می کنید؟ درس؟ کار؟ روابط؟ مسائل مالی؟ توانمندی های اجتماعی؟ صفات زیبا؟ در چه زمینه هایی احساس ضعف می کنید؟ و توان انجام کاری را ندارید. تلاش کنید تا برای هر یک از موارد بررسی کنید که آیا این احساس ضعف یا قوت واقعی است یا غیر واقعی. مثلاً ممکن است کسی در یادگیری دارای هوش بالا و استعداد فراوان باشد اما به دلائل بیرونی توان مطالعه و دریافت غرات مطلوب را نداشته باشد در این صورت طبیعی است که این احساس ضعف غیر واقعی است و می تواند جبران شود. بسیاری از رفتارها، صفات و اخلاق های نازیبا در حوزه احساس ضعف قرار می گیرند: مثلاً حسادت، خودخواهی، تنبلی و مانند آن. افراد نوعاً در بروز برخی صفات زیبا نیز مانند گذشت، کظم غیظ و مانند آن احساس ضعف می کنند. اما باید دانست همه این ها قابلیت اصلاح دارند و نباید به عنوان احساس ضعف قطعی در نظر گرفته شوند. پس در مرحله اول باید حوزه ضعفها را شناخت و برای اصلاح آن ها برنامه ریزی کرد. برای شناسایی

زیارت امام حسین (علیه السلام): فرصتی برای حسن آفرین شدن

حُسنی که می تواند انجام دهد را مشخص کند. در واقع این موقعیت ها عنایت و نصرتی از جانب خدا در حسن آفرینی انسان است. از این رو در روایات ثواب قرار گرفتن در برخی از این موقعیت ها خارج از حد تصور معرفی شده است. به عنوان مثال زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ثواب صد حج و عمره را دارد. حضور مکرر فرد در این موقعیت ها باعث می شود

دارد و گاهی نیز به طور طبیعی به وجود می آیند. به عنوان مثال برای قرار گرفتن در موقعیت زیارت یا مسجد باید برنامه ریزی کرد ولی هر سال با فرارسیدن ماه مبارک رمضان یا ماه محرم و صفر، فرد در آن موقعیت قرار می گیرد. شناخت هر یک از این دو موقعیت به فرد کمک می کند توجهی بیشتر برای بروز خیرات داشته باشد و قبل از درک آن موقعیت کارهای

برخی از مکان ها و موقعیت هایی که انسان در آنها قرار می گیرد، به طور طبیعی امکان حُسن آفرینی بیشتری را مهیا می کنند. به عنوان مثال وقتی کسی در مسجدی است و یا در شب قدر قرار دارد، با توجه به فضا و موقعیت توان بروز خیر به نحو شایسته را می یابد. قرار گرفتن در این موقعیت ها گاهی نیاز به برنامه ریزی



تا قدرت حسن آفرینی او به موقعیت های دیگر نیز سرایت کند و صفت حُسن در او متجلی شود^۱.

از این رو پیشنهاد می شود دوستانی که به زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) مشرف می شوند این موقعیت را از دست نداده و برنامه ها و اعمالی که می توانند به عنوان حُسن آفرینی از خود بروز دهند را بدون چشم داشت انجام دهند. کارهایی که انجامشان در این چنین موقعیتی بیشتر از انسان سر می زند را برای خود یادداشت کرده و یا توجه خود را در طول سفر بر آن متمرکز نمایند: کمک کردن به دیگران، اولویت دادن به راحتی دیگران، مراعات حال پیران و کودکان و افرادی که توانشان کمتر است، مصاحبت و روشنگری های اعتقادی، دیدن اقوام و فرهنگ های مختلف، نوشتن ایده های نابی که ممکن است تنها در زیارت ائمه (علیهم السلام) در عراق به ذهن خطور کند، کمک کردن به والدین در نگهداری از کودکان، مراقبت از کسانی که در طول سفر بیمار می شوند ولو به مدت چند دقیقه، مراقبت در حُسن خلق و ناراحت نشدن، ولایت پذیری و گوش به حرف سرگروه دادن، در مواقع کسالت خود درمانی کردن و دیگران را از این ناراحتی ناراحت نکردن و ...

این موضوعات به خصوص برای کسانی که با پای پیاده به زیارت مشرف می شوند، به خاطر وجود شرایط خاص و قابلیتی که در ایجاد عرصه های مختلف

عمل برای انسان فراهم می کند، می تواند بیشتر حائز اهمیت باشد و بهره مندی از آن برای انسان مشخص و پررنگ شود. بنابراین به بزرگواران پیشنهاد می شود تا: ۱. فهرستی بلند بالا از آنچه که از حُسن می توانند از خود بروز دهند - تا حُسن آفرین شدن را تمرین کنند - را برای خود در نظر بگیرند و نسبت به عمل کردن به آن تمام سعی شان را مبذول نمایند.

۲. نسبت به حُسن آفرینی هایی که به برکت و خیراتی که در آن موقعیت شریف برایشان پیش می آید و آنها را در معرض انجامشان قرار می دهد، حساس بوده و نسبت به ثبت آنها در قالب خاطره، نکته، داستان، ... کوشش نمایند.

چه سواره و یا با پای پیاده، با این نیت به زیارت امام حسین (علیه السلام) برویم که تمرین کنیم و بتوانیم به جمع حُسن آفرینان عالم اضافه شویم و عالمیان را با یکی از نشحات این موقعیت آشنا کنیم و بتوانیم حیاتی متصل با امام را با اراده محسن بودن محقق نماییم. قربة الی الله... بسم الله.

چنانچه مولایمان امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَ إِنَّ كَانَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً حَتَّى إِذَا صَارَ فِي الْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُصْلِحِينَ لِمُنْتَجِبِينَ

حَتَّى إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهَ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ لَكَ مَا مَضَى^۲.

کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین ابن علی علیه السلام باشد. اگر پیاده رود، خداوند مَنان به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید. تا زمانی که به حائر برسد و پس از رسیدن به آن مکان شریف حق تبارک و تعالی او را از رستگاران قرار می دهد.

تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان برساند که در این هنگام او را از فائزین محسوب می فرماید. تا زمانی که اراده مراجعت نماید در این وقت فرشته ای نزد او آمده و می گوید:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به تو سلام می رساند و به خطاب به تو می فرماید: از ابتداء عمل را شروع کن، تمام گناهان گذشته ات آمرزیده شد.

۱. احمد رضا اخوت، مهارت های حُسن گرینی. این کتاب در دست چاپ بوده و بزودی علاقه مندان می توانند از مهارت های آن بهره مند شوند.
۲. کامل الزیارات ص ۱۳۲

اعلام محصولات و اقدامات کمک آموزشی جهت استفاده عموم مربیان تدبیر

۱. سوره ها را که سابقا تهیه نموده اند، به دفتر مدرسه قرآن و عترت (علیه السلام)، خانم فراهانی تحویل دهند.
۲. برگزاری دوره المیزان خوانی توسط مدرسه اهل بیت (علیهم السلام): علاقه مندان به گذراندن سیر مطالعاتی کتب موضوعی علامه طباطبائی می توانند روزهای شنبه ساعت ۱۳ - ۱۵ در مدرسه اهل بیت (علیه السلام) حضور بهم رسانده و در مباحثه جمعی شرکت نمایند.

۱. تدوین سی دی های آموزشی دوره های یک تا پنج تدبیر شامل پاورپوینت و فیلم آموزش مجازی هر کتاب که به عنوان ابزار کمک آموزشی برای مربیان می تواند مورد استفاده قرار گرفته و از دفتر مدرسه قرآن و عترت (علیه السلام) قابلیت تهیه دارند. این مجموعه قرار است با افزودن متون ادبی و کلیپ های سوره هر کتاب کاملتر شود. در همین راستا از تمامی مربیان درخواست می شود سوره نوشتها و کلیپ های خود از

کتاب اصول و مهارت های تربیت کودک به چاپ رسید

استفاده شده است. والدین و مربیان عزیز با مراجعه به این کتاب میتوانند ضمن استفاده عملی از مثالها و تمرینها و فعالیتهای آن، خلاقیت خود را در خلق موقعیتهای تربیتی جدید و پیشنهاد فعالیتهای دیگر نشان دهند. خرید این کتاب از کتابفروشی مدارس قرآن و عترت (علیه السلام) و اهل بیت نبوت (علیه السلام) میسر می باشد.

چهار بخش اصلی این کتاب شامل فرایند پرورش حواس، تقویت کلام، بارورسازی نطق و فراهم کردن رزق طیب است که با قلمی روان و قابل استفاده برای عموم نگاشته شده است. در تقریر این کتاب از کتابهای دوره اول رشد تفکر اجتماعی، معناشناسی طیب، فرایند شناسی طیب، نظام سازی طیب و کلام

کتاب «اصول و مهارت های تربیت کودک» که به قلم احمد رضا اخوت و فاطمه فیاض نگاشته شده و توسط انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (علیه السلام) به تازگی چاپ شده است، به تبیین قواعد اصلی و مهارت های مربوط به دوران دو تا هفت سالگی مبتنی بر دوره های رشد قرآنی می پردازد.

